

Research Paper

The Study of Michel Foucault's moral theory criticism in the light of Boostan and Golestan

Mostafa Mortezaikamari¹*, Mehdi Sharifian²¹ Ph.D. in Persian language and literature, Bu-Ali Sina University, Hamedan² Professor of Persian Language and Literature, Bu-Ali-Sina University, Hamedan

10.22080/RJLS.2022.22318.1264

Received:

September 18, 2021

Accepted:

May 1, 2022

Available online:

May 29, 2022

Keywords:

Michel Foucault; Sadi; Boostan and Golestan; Foucault thoughts; Foucault moral theory; Islamic ethics.

Abstract

Michel Foucault (1926-1984) is a reflective, historian and heraldry philosopher contemporary French. In a general glance, the main frontiers of the world are thought of as phenomenology, genealogy, paleontology, morality, hermeneutics, structuralism and Marxism. Since point of view Sadi is from the Islamic point of view, we will declare inevitably point to the view of Islamic ethics as preparation. In this research, Foucault moral theory to study paid on based on Sadi Boostan and Golestan and ethics resolutd and analyzed from both perspectives. The results indicate that: A. Foucault moral education is pluralistic, but Sadi moral education is based on metaphysical theories. b. Foucault moral education lacks a fixed and universal foundation, but Sadi moral education is based on a fixed and preceded foundation. c. The moral education of Foucault is disagree with rationalism and humanism, but Sadi moral education is rational and observational. d. The moral education of Foucault is democratic and non-authoritarian, but Sadi moral education is authoritative and model axial. e. The Foucault moral education is fundamentally based on discourse, but Sadi moral education is based on action and objectivity.

***Corresponding Author:** Mehdi Sharifian**Address:** Professor of Persian Language and Literature, Bu-Ali-Sina University, Hamedan.

Extended Abstract

1. Introduction

Michel Foucault, reflective, historian and contemporary French genealogist philosopher, born October 15, 1926. He was born in Poitiers, France, to a bourgeois (wealthy) family. He also died in consequence of the AIDS in Paris in 1984. He was the son of Anne Malapar and the wealthy surgeon Paul Foucault.

In Foucault's thoughts there are three general axes of genealogy, paleontology and ethics that in this article, we only deal with examine and explain the subject of ethics (the third axis that has been considered by Foucault after genealogy and paleontology). Since Sadi ethical point of view is derived from the Islamic point of view, we inevitably express the view of Islamic ethics as a preparation.

The present criticizes and study Foucault moral theory based on Sadi boostan and Golestan and following answers to the following questions:

1. Is Foucault moral theory capable of critique based on boostan and Golestan?
2. Do Foucault moral theory have manifestations and examples in two important works of Sadi?
3. What are the differences between Foucault moral theory and Sadi moral theory and Islam?

2. Research Methodology

This research with a descriptive-analytical approach, used the library and documentary method and was done by referencing to the library. In this research, first, authentic and relevant sources related to the subject of the research were prepared and after studying, they were taking notes - both the main and related of the text and the sub-contents so that were

related to the structure of the article. After completing the taking notes of the process, the subjects was classified, adjusted and separated.

3. Research Findings

In this research, Foucault moral theory to study paid on based on Sadi Boostan and Golestan and ethics resolved and analyzed from both perspectives. The results indicate that:

A. Foucault moral education is pluralistic, but Sadi moral education is based on metaphysical theories. b. Foucault moral education lacks a fixed and universal foundation, but Sadi moral education is based on a fixed and preceded foundation. c. The moral education of Foucault is disagree with rationalism and humanism, but Sadi moral education is rational and observational. d. The moral education of Foucault is democratic and non-authoritarian, but Sadi moral education is authoritative and model axial. e. The Foucault moral education is fundamentally based on discourse, but Sadi moral education is based on action and objectivity.

4. Conclusion

Based on studies, we concluded that our main focus in implementing moral education programs is to look at the Qur'an and what it commands us to do but according to postmodernists and Foucault, moral education is essentially based on democratic and non-authoritarian methods. Patternism in morality is disagreeable, because fathers or mothers or those who claim to be role models, they try to put their interests beyond the interests of those they care about.

Funding

There is no funding support.

Authors' Contribution

Authors contributed equally to the conceptualization and writing of the article. The authors agreed on all aspects of the work.

Conflict of Interest

Authors declared no conflict of interest.

Acknowledgments

We are grateful to all the persons for scientific consulting in this paper.

علمی

نقد و بررسی نظریه‌ی اخلاقی میشل فوکو با تکیه بر بوستان و گلستان سعدی

مصطفی مرتضی‌ئی کمری^{۱*}، مهدی شریفیان^۲

^۱ دانش‌آموخته دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان
^۲ استاد تمام زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان



10.22080/RJLS.2022.22318.1264

چکیده

میشل فوکو (۱۹۲۶-۱۹۸۴م.) متفکر، تاریخدان و فیلسوف تبارشناس معاصر فرانسوی است که در یک نگاه کلی، مرزهای اصلی جهان اندیشه‌ی او را «پدیدارشناسی، تبارشناسی، دیرینه‌شناسی، اخلاق، هرمونتیک، ساختارگرایی و مارکسیسم» تشکیل می‌دهند. از آن جایی که دیدگاه سعدی برگرفته از دیدگاه اسلامی است، به‌ناچار به‌عنوان تمهید دیدگاه اخلاق اسلامی را هم بیان می‌کنیم. در این پژوهش به بررسی نظریه‌ی اخلاقی فوکو با تکیه بر بوستان و گلستان سعدی پرداخته و اخلاق از دیدگاه هر دو بررسی می‌شود. نتایج به‌دست‌آمده حکایت از آن دارد که الف- تربیت اخلاقی فوکو، تکثرگرایانه است، اما تربیت اخلاقی سعدی مبتنی بر مفروضات متافیزیکی است. ب- تربیت اخلاقی فوکو، فاقد بنیان‌های ثابت و جهانی (عام) است، اما تربیت اخلاقی سعدی مبتنی به بنیان‌های ثابت و مقدم است. پ- تربیت اخلاقی مورد نظر فوکو مخالف عقل‌گرایی و انسان‌گرایی است، اما تربیت اخلاقی سعدی عقلانی و شهودی است. ت- تربیت اخلاقی مورد نظر فوکو دموکراتیک و غیر اقتدارگرایانه است، اما تربیت اخلاقی سعدی اقتدارگرا و الگومحور است. ث- تربیت اخلاقی فوکو اساساً مبتنی بر گفتمان است، اما تربیت اخلاقی سعدی مبتنی بر عمل و عینیت است.

تاریخ دریافت:

۹ مهر ۱۴۰۰

تاریخ پذیرش:

۲۲ فروردین ۱۴۰۱

تاریخ انتشار:

۸ خرداد ۱۴۰۱

کلیدواژه‌ها:

میشل فوکو، سعدی، بوستان و گلستان؛ اندیشه‌های فوکو؛ نظریه‌ی اخلاقی فوکو؛ اخلاق اسلامی.

* نویسنده مسئول: مصطفی مرتضی‌ئی کمری

آدرس: دانش‌آموخته دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

۱ مقدمه

برای زندانیان بود تا بتوانند در ایام ناآرامی زندان‌ها مسائل خود را بیان کنند. چرخش سیاسی فوکو در آن دسته از آثارش که موضوعشان بازنمایی نهادی قدرت است، به بارزترین وجه تجلی می‌یابد. سرانجام فوکو در سال ۱۹۸۴م. در پاریس بر اثر بیماری ایدز درگذشت» (دریغوس و رابینو، ۱۳۸۹: ۱۳) و (قاسمی، ۱۳۸۶: ۹۳) و (ضمیران، ۱۳۸۴: ۲). در افکار فوکو سه محور کلی تبارشناسی، دیرینه‌شناسی و اخلاق وجود دارد که ما در این مقاله فقط به بررسی و تبیین مبحث اخلاق (سومین محوری که پس از تبارشناسی و دیرینه‌شناسی مورد توجه فوکو قرار گرفته است) می‌پردازیم. از آنجایی که دیدگاه اخلاقی سعدی برگرفته از دیدگاه اسلامی است، ما ناگزیریم به‌عنوان تمهید، دیدگاه اخلاق اسلامی را هم بیان کنیم. پژوهش حاضر نظریه‌ی اخلاقی فوکو را با تکیه بر بوستان و گلستان سعدی نقد و بررسی می‌کند و در پی پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. آیا نظریه‌ی اخلاقی فوکو قابلیت نقد و بررسی با تکیه بر بوستان و گلستان را دارد؟
۲. آیا نظریه‌ی اخلاقی فوکو در دو اثر مهم سعدی دارای نمودها و مصادیق است؟
۳. تفاوت‌های نظریه‌ی اخلاقی فوکو با نظریه‌ی اخلاقی سعدی و اسلام شامل چه مواردی می‌باشد؟

۲ مبانی نظری

۲.۱ اهداف و ضرورت تحقیق

یکی از پژوهش‌هایی که می‌تواند در شعر و ادب فارسی راهگشا و ارزشمند باشد، نقد و بررسی تطبیقی نظریات دانشمندان بزرگ غربی با آثار بزرگان ادبیات کلاسیک فارسی همچون سعدی است. میشل فوکو یکی از اندیشمندان و فیلسوفان معاصر فرانسوی است که نظریه‌ی مهمی با عنوان «نظریه‌ی اخلاقی» دارد که تاکنون به بررسی تطبیقی این نظریه با آثار بزرگ ادبیات کلاسیک فارسی (خصوصاً آثار سعدی) پرداخته نشده است.

درباره‌ی زندگی میشل فوکو نوشته‌اند که «میشل فوکو متفکر، تاریخدان و فیلسوف تبارشناس معاصر فرانسوی در ۱۵ اکتبر ۱۹۲۶م. در پواتیه فرانسه و در خانواده بورژوا (ثروتمند) به دنیا آمد. وی فرزند «آن مالاپار» و جراح ممتول «پل فوکو» بود. تحصیلات اولیه‌اش را در مدارس دولتی همان شهر به پایان رساند، سپس به یک مدرسه عالی کاتولیک رفت و در آنجا موفق به کسب لیسانس با نمره‌ی ممتاز شد. وی تحصیلاتش را در روان‌شناسی و فلسفه در اکول نرمال ادامه داد، همچنین در رشته‌ی آسیب‌شناسی روانی نیز دیپلم گرفت. فوکو بعد از گرفتن دیپلم در آسیب‌شناسی روانی، در سمت آنترن (کارآموز پزشکی در بیمارستان) در بیمارستان روانی در پاریس مشغول به کار شد و تدریس چند واحد آسیب‌شناسی روانی در دانشگاه سوربن را نیز به عهده گرفت. وی برای مدت کوتاهی عضو حزب کمونیست فرانسه شد، ولی در سال ۱۹۵۱م. از آن حزب کنار کشید. نخستین اثر فوکو با نام بیماری روانی و شخصیت در سال ۱۹۵۴م. منتشر شد. فوکو در سال ۱۹۵۴ برای تدریس زبان فرانسه در دانشگاه آپسالای سوئد و بعد از آن در دانشگاه ورشو لهستان و هامبورگ آلمان، فرانسه را ترک و در طول این مدت مطالعه‌ی تاریخ روان‌پزشکی را آغاز کرد که حاصل این مطالعه نگارش جنون و تمدن بود که به منزله‌ی تز دکترای او در زمینه‌ی تاریخ علم در سال ۱۹۶۰م. پذیرفته شد. فوکو در سال ۱۹۶۴م. استاد فلسفه در دانشگاه کلرمون در فرانسه شد. در سال ۱۹۶۸م.، ژان ایپولیت درگذشت و فوکو در سال ۱۹۷۰م. به جای وی به سمت استادی در تاریخ نظام‌های اندیشه در کلژدوفرانس برگزیده شد. در پی فضای سیاسی پرآشوب سال ۱۹۶۸م. علایق سیاسی فوکو تغییر کرد. او به همراه سایر روشنفکران به عضویت کمیته‌هایی درآمد که بر ضد نژادپرستی و برای دفاع از حقوق بیماران و انجام اصلاحات در زمینه‌ی بهداشت تشکیل شده بودند. در این میان مهم‌ترین کمیته، کمیته‌ی خبر زندانیان با هدف ایجاد تریبونی

مطالعه‌ی اخلاقیات می‌باشد. اخلاقیات علاوه بر اخلاق، دربرگیرنده‌ی رفتار عملی افراد نیز می‌باشد» (دیویدسون، ۱۳۸۰: ۷۲). فوکو در آثار پس از سال ۱۹۷۶م. دو نوع اخلاق را از هم جدا کرده است: «نوع اول گونه‌ای اخلاق زیبایی‌شناسانه که هدفش ساختن زندگی فردی است و تأکید اصلی در آن بر رابطه‌ی فرد با خویش است. او از اخلاق یونان باستان به‌عنوان نمونه‌ی تاریخی این گونه از اخلاق یاد می‌کند. نوع دوم اخلاقی است که تأکید اصلی آن بر پیروی از مجموعه‌ای از قوانین و مقررات اخلاقی است. فوکو این نوع دوم را اخلاق آیین‌نامه‌ای می‌نامد که به گمان او نمونه‌ی تاریخی این نوع اخلاق، اخلاق مسیحیت است که در اساس چیزی جز مجموعه‌ای از قوانین نیست» (حقیقی، ۱۳۸۳: ۲۳۹). نوع اول اخلاق که در آن تأکید اصلی بر رابطه‌ی فرد با خویش است و پیروی از قوانین کلی اخلاق فرعی است، چهار جنبه‌ی اصلی دارد که عبارت‌اند از: ۱- جوهر اخلاقی ۲- شیوه‌ی اطاعت ۳- فعالیت خودسازی ۴- غایت.

۴،۲ جوهر اخلاقی

از دیدگاه فوکو نخستین جنبه‌ی اخلاق، جوهر اخلاقی است؛ یعنی بخشی از نقش ما یا رفتار ما که به‌عنوان قلمروی مناسب برای قضاوت اخلاقی در نظر گرفته می‌شود. درواقع جوهر اخلاقی یعنی راه درستی که اگر موجودی اخلاقی باشد، دغدغه‌ی آن را خواهد داشت. این جوهر جزئی از خود ما و رفتار ماست که با قضاوت اخلاقی در ارتباط است. به گفته‌ی فوکو جوهر اخلاقی یونانی - رومی کاملاً متفاوت با مقولات مسیحی و مدرن است. شرح این تفاوت‌ها از جمله مضامین اصلی مطرح در جلد دوم تاریخ جنسیت است. جوهر اخلاقی ماست که معین می‌کند که چه بخشی از نفس خود را باید در صورت‌بندی رمزگان اخلاقی مد نظر قرار دهیم.

فوکو فیلسوفی نسبی‌گرا است، چون او معتقد است که «این خود فرد است که در یک موقعیت کاملاً آزاد و غیر انحصاری و با توجه به علاقه و تمایلش اقدام به انجام فعل اخلاقی می‌نماید و در

به همین دلیل در این پژوهش به بررسی نظریه‌ی اخلاقی میشل فوکو با تکیه بر بوستان و گلستان پرداخته شده است.

هدف این پژوهش روشن کردن زوایای پنهان نظریه‌ی اخلاقی میشل فوکو با تکیه بر اخلاق سعدی در بوستان و گلستان - اخلاقی که متأثر از آموزه‌های اخلاقی قرآن است، می‌باشد.

۲،۲ پیشینه‌ی پژوهش

باید گفت با وجود اهمیت و جایگاهی که نظریه‌ی اخلاقی میشل فوکو در غرب داراست هنوز آن طور که شایسته است مورد توجه منتقدان و پژوهشگران ایرانی قرار نگرفته است و تا کنون نظریه‌ی اخلاقی فوکو با هیچ اثر کلاسیک ادبیات فارسی مقایسه و بررسی نشده است. بنابراین نگارنده بر آن شد تا در این مقاله به این موضوع به طرز مفصل و دقیق همراه با ارائه‌ی نمونه‌ها و مصادیق بپردازد.

۳ روش تحقیق

این پژوهش با رهیافتی توصیفی- تحلیلی، از روش کتاب‌خانه‌ای و اسنادی بهره برد و با مراجعه به کتاب‌خانه صورت گرفت. در این پژوهش ابتدا منابع معتبر و مرتبط با موضوع رساله تهیه و پس از مطالعه، نسبت به فیش‌برداری از آن‌ها - هم مطالب اصلی و مرتبط با متن و هم مطالب فرعی که به نوعی با ساختار مقاله در ارتباط بودند- اقدام شد. پس از اتمام مراحل فیش‌برداری مطالب طبقه‌بندی، تنظیم و تفکیک شدند.

۴ یافته‌ها و بحث

۴،۱ نظریه‌ی اخلاقی فوکو

سومین محوری که پس از تبارشناسی و دیرینه‌شناسی مورد توجه فوکو قرار گرفته بحث و موضوع اخلاق است که در مجلدات دوم و سوم تاریخ رهیافت جنسی مطرح شده است. در نوشته‌های فوکو اخلاق به معنای رابطه با نفس است. درواقع اخلاق به نظر او به‌عنوان «بخشی از

۴،۲،۱ ادله‌ی مطلق‌گرایان در دفاع از مطلق‌گرایی

الف- ادعای کلی آن‌ها این است که «اصول احکام ارزشی، از هر نظر مطلق هستند؛ یعنی هم اطلاق زمانی دارند و هم اطلاق فردی و هم مکانی. برای مثال خوبی عدالت و زشتی ظلم، ارزش‌هایی زمان شمول، مکان شمول و همگانی هستند؛ یعنی خوب بودن عدالت، مخصوص زمانی خاص و شرایطی ویژه و مکان جغرافیایی و یا افرادی خاص نیست؛ همین طور بد بودن ظلم. ب- اصول احکام ارزشی معیارهایی واقعی و عینی دارند و تابع ذوق و سلیقه‌ی افراد یا قرارداد اجتماعی و امثال آن نیستند. پ- مفاهیم اخلاقی از سنخ قضایای خبری و واقع‌نما هستند، در نتیجه احساسات و امیال شخصی و یا قراردادهای اجتماعی و امثال آن در حقیقت جملات اخلاقی نقشی ندارند» (همان: ۹۳-۹۲).

۴،۲،۲ ادله‌ی نسبی‌گرایان در دفاع از نسبی‌گرایی:

نسبی‌گرایان هم برای ادعای خود ادله‌هایی اقامه کرده‌اند که در ذیل به شرح آن‌ها می‌پردازیم: ۱- استدلال از راه وجود اختلافات اخلاقی (نسبی‌گرایی توصیفی): این ادله را به‌طور خلاصه بدین صورت می‌توان بیان کرد «الف: اختلافات اخلاقی در میان جوامع مختلف امری یقینی و تردیدناپذیر است. ب: این اختلافات اساسی است» (همان: ۹۶-۹۵). ۲- استدلال از راه انشایی‌دانستن احکام اخلاقی: یکی دیگر از مستندات نسبی‌گرایان این است که مدعی‌اند «گزاره‌های اخلاقی و ارزشی، از سنخ گزاره‌های انشایی و غیر واقع‌نما هستند، یعنی از حقایق و واقعیات ثابت و تغییرناپذیر انتزاع نشده‌اند، بلکه وابسته به خواست افراد و جوامع مختلف هستند. به عبارت دیگر، حسن و قبح و باید و نباید اخلاقی، تابع اعتبار و انشای شخص اعتبارکننده است و همه‌ی واقعیات آن‌ها نیز چیزی جز این نیست» (همان: ۱۰۰).

یک ارتباط درونی و عقلانی به تربیت نفس همت می‌گمارد» (سجادی و علی‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۵۲). با این تفاسیر، به نظر فوکو حقیقت مطلق و مستقلی وجود ندارد و همه چیز متأثر از گفتمان است. همچنین می‌توان گفت «رویکرد اخلاقی فوکو، رویکردی نسبی‌گرا و چندگانه است که نظریات و عقاید اخلاقی گوناگون افراد را وقع می‌نهد» (همان: ۱۵۴).

مهم‌ترین بحث جوهر اخلاقی، مسأله‌ی مطلق یا نسبی بودن احکام و ارزش‌های اخلاقی است. مطلق‌گرایی و نسبی‌گرایی، تعاریف و کاربردهای متفاوتی دارند. بنابراین ابتدا هدف از این دو گزاره‌ی اخلاقی را مشخص می‌کنیم. مطلق‌گرایی دست کم دارای دو کاربرد متفاوت است «۱- اولاً همه‌ی احکام و ارزش‌های اخلاقی امری ثابت، همیشگی و همگانی‌اند و در هیچ شرایطی استثنا نمی‌پذیرند (مطلق‌گرایی حداکثری). امانوئل کانت فیلسوف آلمانی از این نوع مطلق‌گرایی دفاع کرد. ۲- ثانیاً اصول و ارزش‌های اخلاقی امری ثابت، همیشگی و همگانی‌اند و هرگز استثنا نمی‌پذیرند و نسبی بودن برخی دیگر از احکام و ارزش‌های اخلاقی به معنای نسبییت شرایط واقعی است» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۹۰). نسبی‌گرایی نیز دست کم دو معنا دارد «۱- گاه منظور از نسبی بودن یک حکم این است که آن حکم، نسبت به شرایط و قیود واقعی موضوع خود، متفاوت و تغییرناپذیر است؛ مثل جوشیدن آب در دمای صد درجه که نسبت به شرایط خودش متفاوت است. ۲- گاهی نیز منظور از نسبی بودن یک حکم، آن است که آن حکم در هیچ شرایط واقعی، ثابت و تغییرناپذیر نیست. به عبارت دیگر حکم نسبی، به حکمی گفته می‌شود که هیچ ارتباطی با واقعیات ندارد تا در برخی از شرایط واقعی ثابت باشد؛ بلکه بسته به سلیقه‌ی افراد یا قراردادهای خود آن‌هاست» (همان: ۹۱-۹۰).

۴،۲،۳ دلایل رد نسبی‌گرایی:

۱- فراگیرنبودن اختلافات اخلاقی: یعنی همه‌ی جوامع، در همه‌ی ارزش‌های اخلاقی اختلاف نظر ندارند. ۲- بنیادی‌نبودن اختلافات اخلاقی. ۳- منافات نداشتن با مطلق‌گرایی مورد نظر ۴- نبود ارتباط میان وجود اختلافات اخلاقی و نسبی‌بودن اخلاق ۵- جملات اخلاقی از نوع خبری هستند نه انشایی» (همان: ۹۶-۱۰۰).

۴،۲،۴ پیامدهای پذیرش نسبی‌گرایی:

۱- پذیرش نسبی‌گرایی اخلاقی پیامدهای اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و دینی فراوانی دارد که در ذیل تعدادی از آن‌ها را بیان می‌کنیم: اگر کسی به نسبت اخلاق قایل باشد: ۱- امر به معروف و نهی از منکر و نقد اخلاقی افراد دیگر یا ارشاد آنان به فضایل اخلاقی بی‌معنا می‌شود. ۲- عدم نکوهش افراد دزد و جنایتکار و قاتل. ۳- براساس نسبی‌گرایی چیزی به نام عدل و ظلم اجتماعی معنا نخواهد داشت. ۴- اگر کسی نسبی‌گرایی را بپذیرد، از نظر منطقی هیچ دلیلی برای گزینش یک شیوه‌ی اخلاقی خاص نخواهد داشت. ۵- یکی دیگر از لوازم پذیرش نسبی‌گرایی اخلاقی، پذیرش آزادی مطلق در عرصه‌ی ارزش‌گذاری‌های اخلاقی است و روشن است که چنین کاری به نابودی اجتماعی و فرهنگی می‌انجامد» (همان: ۱۰۲-۱۰۳).

با بررسی جوهر اخلاقی در دیدگاه فوکو و اسلام به این نتیجه می‌رسیم که نسبی‌گرایی اخلاقی به دلایل گوناگون از جمله؛ فراگیرنبودن اختلافات اخلاقی، بنیادی‌نبودن اختلافات اخلاقی، منافات نداشتن با مطلق‌گرایی مورد نظر و ... رد می‌شود. چون با پذیرش نسبی‌گرایی مفاهیمی مثل امر به معروف و نهی از منکر، ظلم، عدل و ... وجود نخواهد داشت. بنابراین تنها چیزی که معنا و مفهوم درستی خواهد داشت، مطلق‌گرایی اخلاقی است، چون اصول ارزشی مطلق‌گرایان هم اطلاق زمانی، هم مکانی و هم فردی دارند و نیز واقعی و عینی هستند و وابسته به سلیقه‌ی افراد نیستند.

۴،۳ شیوه‌ی اطاعت (انقیاد)

از دیدگاه فوکو دومین جنبه‌ی اصلی اخلاق شیوه‌ی اطاعت است. این جنبه «معطوف به شیوه‌ای است که افراد از آن طریق فراخوانده یا برانگیخته می‌شوند تا تعهدات اخلاقی خود را به رسمیت بشناسند. ممکن است که ما تعهدات اخلاقی را تعهداتی بدانیم که در قانون الهی تصریح شده‌اند و یا این که فرضاً تعهداتی باشند که خواسته‌های خرد آن‌ها را تحمیل کرده است و یا با استفاده از یکی از جذاب‌ترین بیانات فوکو، آن‌ها را ناشی از تعهداتی بدانیم که ناشی از تلاش برای بخشیدن زیباترین شکل ممکن به وجود خویش باشد. فوکو می‌خواهد نشان دهد که افراد متفاوت و ادوار تاریخی متمایز می‌توانند به شیوه‌هایی مختلف، مطیع قواعدی یکسان باشند. برای مثال وفاداری به همسر می‌تواند لازمه‌ی خرد باشد و یا به‌عنوان حاصل نوعی زیباشناسی وجود تحمیل شود. یعنی شیوه‌ی اطاعت پیوندی میان رمزگان اخلاقی و نفس برقرار کرده، چگونگی سلطه‌ی این رمزگان بر نفس ما را معین می‌کند» (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۳۵-۱۳۴). به عبارت دیگر مراد از آن یعنی «هرآن‌چه برای درونی‌سازی این دغدغه‌ها به کار می‌بندیم و آن‌چه که به‌عنوان حقیقت آن دغدغه‌ها می‌پنداریم- کتاب مقدس، تقدس خرد، معاهده‌ی سیاسی، مشغولیت شخصی و هر امر بیرونی که به عنوان مرجع قدرت‌اش در نظر می‌گیریم» (هکینگ، ۱۳۸۰: ۴۰۱). اسلام و سعدی هم در این مورد تا حدود زیادی با نظر فوکو موافق هستند. یعنی از دیدگاه آن‌ها شیوه‌ی اطاعت مبتنی بر نمودهایی است که افراد با آن نموده‌ها به شیوه‌ی اطاعت و انقیاد می‌رسند که تعدادی از نموده‌ها و مصادیق اطاعت در اسلام و سعدی عبارت‌اند از:

۴،۳،۱ عفو و گذشت

یکی از مهم‌ترین مصادیق اطاعت است که انسان‌ها از طریق رعایت و به کار بستن عملی آن می‌توانند به اطاعت و انقیاد برسند. خداوند در مورد این موضوع در قرآن می‌فرماید: *حُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ*: عفو و گذشت را پیشه کن و

اگر پایبندی رضا پیش‌گیر و گر یکسواری سر
خویش‌گیر (سعدی، ۱۳۸۶: ۲۳۱)
ترس از خدا:

خداترس را بر رعیت گم که معمار ملکست
پرهیزگار (همان: ۲۴۹)
ترک غیر خدا:

ره عقل جز پیچ بر پیچ نیست بر عارفان
جز خدا هیچ نیست (همان: ۱۸۷۱)

۴,۳,۴ مسؤولیت در برابر خود

از نظر قرآن انسان در برابر خود مسؤول است. قرآن
می‌فرماید: لا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا
كَسَبَتْ وَ عَلَيَّهَا مَا اكْتَسَبَتْ... : خداوند هیچ کس را
جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند. آنچه از خوبی
به دست آورده به سود او و آنچه از بدی به دست
آورده به ضرر اوست (بقره: ۲۸۶). سعدی توصیه‌های
فراوانی در مورد مسؤولیت در برابر خود دارد که
تعدادی از آن‌ها از این قرارند:

تواضع و فروتنی:

تواضع سر رفعت افرازدت تکبر به خاک
اندر اندازدت (سعدی، ۱۳۸۶: ۲۰۳۶)

در فضیلت خاموشی:

تو را خاموشی ای خداوند هوش وقار است
و نا اهل را پرده‌پوش (همان: ۲۹۶۲)

نکوهش تکبر: خودبینی و پندار حجابی است که
مانع رؤیت حقیقت می‌گردد که در بوستان بدان
اشارت فرموده است:

تکبر نکن چون به نعمت دری که محرومی
آید ز مستکبری (همان: ۳۴۸۶)

به دولت کسانی سر افراختند
که تاج تکبر بینداختند (همان: ۲۲۸۴)

توجه به قناعت و نکوهش حرص و طمع: «در
بوستان قناعت و استغنا اصلی است معتبر و موجب
سعادت» (یوسفی، ۱۳۵۰: ۳۰۳).

امر به خوبی کن و از نادانان اعراض کن و از جاهلان
روی بگردان (اعراف: ۱۹۹). سعدی هم مثل قرآن عفو
و گذشت و کرم و بخشش را بسیار مهم و آن را از
ارکان اصلی رسیدن به اطاعت می‌داند:

بد و نیک را بذل کن سیم و زر که این کسب
خیر است و آن دفع شر (سعدی، ۱۳۸۶: ۱۲۰۷)

محمد داوری نیز در این رابطه یادآور می‌شود که
«بذل و بخشش از دید سعدی، یکی از پایه‌های
برقراری عدالت اجتماعی است» (داوری، ۱۳۸۸: ۶۹).

۴,۳,۲ وفاداری و حق‌شناسی:

از مصادیق دیگر اطاعت، وفاداری است که در دین
مبین اسلام فراوان به آن سفارش شده است.
به‌عنوان نمونه خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: هَلْ
جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ: آیا جزای نیکی جز نیکی
است؟ (الرحمن: ۶۰) « (مطهری، ۱۳۸۲: ۳۳-۳۴).
سعدی نیز وفاداری و حق‌شناسی را از مفاهیمی
می‌داند که وجود آن‌ها انسان را فردی مطیع نشان
می‌دهد و در این مورد یادآور می‌شود که نیکی و بدی
را باید در جای خود به کاربرد:

درشتی و نرمی بهم در بهست چو رگ زن
که جراح و مرهم نهست (سعدی، ۱۳۸۶: ۲۹۳)

و یا:

نکویی و رحمت به جای خود است ولی
با بدان نیکمردی بد است (همان: ۲۲۶۹)

۴,۳,۳ مسؤولیت در برابر خدا

بی‌تردید انسان در برابر خدا مسؤول است، زیرا همه
چیز از آن خداست و مالک حقیقی همه چیز خداوند
است. به همین دلیل افرادی که خود را در برابر
پروردگار مسؤول می‌دانند، زودتر به اطاعت و
فرمان‌برداری می‌رسند. خداوند در این رابطه در قرآن
می‌فرماید: لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ: آنچه
در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست
(بقره: ۲۵۵). سعدی نیز ابیات زیادی را در این مورد
متذکر شده است از جمله:

رضا و خشنودی:

چو جوانمرد و خوش‌خوی و بخشنده باش
حق بر تو باشد تو بر خلق پاش (همان: ۲۹۴)

مروت نباشد بدی با کسی
دیده باشی بسی (همان: ۲۳۸)

توجه به درویشان:

که خاطر نگهدار درویش باش
نه در بند آسایش خویش باش (همان، ۲۱۹)

چو بینم که درویش مسکین نخورد
اندرم لقمه زهراست و درد (همان: ۶۲۸)

توجه به رعیت:

رعیت نشاید به بیداد کشت
مر سلطنت را پناهند و پشت (همان: ۲۳۶)

بر آن باش تا هر چه نیت کنی
نظر در صلاح رعیت کنی (همان: ۲۴۰)

غریب‌نوازی:

مگردان از درت غریب بی نصیب
گردی به درها غریب (همان: ۱۱۴۵)

همدلی و انسان‌دوستی: سعدی در قلمروی
انسان‌دوستی و تعلق خاطر به مصالح انسان‌ها و
مهم‌شمردن خدمت خلق، پیشرو و بیشتر از
انسان‌گرایان باختر زمین گام برداشته است:

خنک آن که آسایش مرد و
زن
گزیند بر آسایش
خویشتن

نکردند
هنرپروران
شادی خویش از غم دیگران (سعدی، ۱۳۸۶: ۵۲۳-
۵۲۴)

پرهیز از عیب‌جویی:

مکن عیب خلق ای هنرمند
فاش
به عیب خود از
خلق مشغول باش (همان: ۲۹۸۹)

قناعت توانگر کند مرد را
خبر کن حریص جهانگرد را (سعدی، ۱۳۸۶: ۲۷۳۳)

قناعت سرافرازد ای مرد هوش
سر پر طمع بر نیاید ز دوش (همان: ۲۷۷۴)

مذمت نفس: سعدی در ابیاتی نفس اماره را
عامل اصلی سقوط آدمی می‌داند:

کسی سیرت آدمی گوش کرد
نفس خاموش کرد (سعدی، ۱۳۸۶: ۲۷۳۷)

میر طاعت نفس شهوت پرست
ساعتش قبله‌ی دیگر است (همان: ۲۷۷۲)

ماندگاری نام نیک:

چنان زی که ذکر به تحسین کنند
نه بر گور نفرین کنند (همان: ۹۵۳)

۴،۳،۵ مسؤولیت در برابر دیگران:

از نظر اسلام مسؤولیت اخلاقی انسان در برابر
دیگران از شئون و شاخه‌های مسؤولیت اخلاقی
انسان در برابر خداست. سعدی در بوستان ابیات
زیادی را در مورد مسؤولیت در برابر دیگران سروده
است از جمله:

اخلاق نیک داشتن و مدارا با مردم: در زندگی
اجتماعی و معاشرت و مدارا با مردم، سعدی
نرم‌خویی و نیک‌خواهی و به ویژه دوری از خشونت
را مایه‌ی افزایش دوستان می‌داند:

باخلاق با هر که بینی، بساز
اگر زیردستت
اگر سرافراز (سعدی، ۱۳۸۶: ۲۲۰۳)

بدوزخ برد مرد را خوی زشت
که اخلاق نیک
آمده‌ست از بهشت (همان: ۲۲۱۶)

احسان و نیکی کردن:

به احسانی آسوده کردن دلی
به از الف رکعت
به هر منزلی (همان: ۱۲۶۵)

فتوت و جوانمردی: سراسر جهان سعدی از فروغ
انسانیت و جوانمردی و مروت نورانی است.

وحی (قرآن) بوده و به همین خاطر است که بعد از گذشت قرن‌ها هنوز آثار سعدی در همه جا مطالعه و بررسی می‌شود. بنابراین با بررسی و تبیین شیوه‌ی اطاعت در نزد فوکو و اسلام این نتیجه حاصل می‌شود که در زمینه‌ی شیوه‌ی اطاعت، بین فوکو و اسلام و سعدی اشتراکات زیادی قابل بررسی است. به‌عنوان نمونه وفاداری از دیدگاه آن‌ها (فوکو، اسلام و سعدی) از نمودها و مصادیق اطاعت است، به این معنا که اگر فردی در زندگی وفاداری داشته باشد، می‌تواند به شیوه‌ی اطاعت برسد.

۴٫۴ فعالیت خودسازی

از دیدگاه فوکو سومین جنبه یا عنصر اخلاق فعالیت خودسازی است یعنی «وسایلی که ما به یاری آن‌ها نفس خود را برای بدل‌شدن به سوژه‌های اخلاقی، به یاری فعالیت خودسازانه‌ی خویش یا زهد در گسترده‌ترین مفهوم آن، متحول ساخته یا پردازش می‌دهیم» (دیویدسون، ۱۳۸۰: ۷۴). همچنین «کیفیت کاربست عملی آن، که برای تعدیل اعمال خود یا کشف هستی خود یا قطع و حذف امیال خود یا استفاده از میل جنسی خود به منظور برآورده‌ساختن اهداف مشخصی چون زادوولد و نظایر آن انجام می‌شود» (هکینگ، ۱۳۸۰: ۴۰۱). فوکو این امر را زهد در وسیع‌ترین مفهوم کلمه و در عین حال فعالیت خودسازی می‌نامد. چنین رفتاری از آن‌جا زهد محسوب می‌شود که ما را از برخی شیوه‌های هستی یا رفتار ممکن محروم می‌کند تا در خدمت اهدافی بلافصل قرار گیریم. برای مثال در مسیحیت «در خودنگری، شکل کشف نفس را دارد و موجب ایجاد مجموعه فنونی می‌شود که کمک کنند تا ما به آن گونه موجوداتی بدل شویم که می‌توانند به صورت فعل اخلاقی رفتار کنند. دستورالعمل‌های زاهدانه از منابع پرباری برای فعالیت خودسازی محسوب می‌شوند» (قاسمی، ۱۳۸۶: ۱۳۵). به سخن فوکو «خودپرویی» اصل اساسی اخلاق جنسی در یونان بود. یعنی در آنجا بر زهد فردی و تشدید روابط فرد با خود تأکید می‌شد، اما تزکیه در اصطلاح علم اخلاق اسلامی عبارت است

دو چشم از پی صنع باری
نکوست ز عیب برادر
فرو گیر و دوست (همان: ۳۴۱۸)

با نیکی جواب دشمن را دادن و شر او را کم کردن:
چو نتوان عدو را به قوت
شکست بنعمت ببايد
در فتنه بست (همان: ۱۰۰۴)

گر اندیشه باشد ز خصمت
گزند به تعویذ احسان
زبانش ببند (همان: ۱۰۰۵)

برقراری عدالت: «بهترین حد، حد اعتدال است. نه فقر اصلاح‌کننده می‌تواند باشد و نه ثروت. بلکه حالت میانه، حالت اعتدالی مطلوب است» (اسلامی ندوشن، ۱۳۸۱: ۱۱۰). همچنین استاد غلامحسین یوسفی یادآور می‌شود که «اساس عالم مطلوب سعدی عدالت است و دادگستری، به همین سبب نخستین و مهم‌ترین باب کتاب خود را بدین موضوع اختصاص داده است» (یوسفی، ۱۳۵۰: ۲۸۹).

الا تا نیچی سر از عدل و
رای که مردم ز دست
نیچند پای (سعدی، ۱۳۸۶: ۲۴۱)

به عدل و کرم سال‌ها ملک
راند برفت و نکونامی از
وی بماند (همان: ۴۳۰)

بنابراین سعدی با طرح مسائل اخلاقی به ما گوشزد می‌کند که پیش از هر مسأله‌ای باید موارد اخلاقی مدنظر قرار گیرد و با این که چندین قرن از روزگار شیخ شیراز می‌گذرد اما همین نکات اخلاقی در زمان ما نیز وجود دارد و باید رعایت شود. پس در نتیجه در هر زمانی نیک‌بینی در جمع، عدم خودبینی در نفس، همیاری و یگانگی، تألیف قلوب، درون پراکندگان جمع داشتن، ایثار و گذشت و سجایای اخلاقی برای بهبود روابط اجتماعی ضروری است. همچنین یادآوری این نکته ضروری است که آموزه‌های اخلاقی سعدی در بوستان متأثر از کلام

و پاکیزشان سازی و برایشان دعا کن، زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است، خدا شنوای داناست! (توبه: ۱۰۳). ۲- روزه شرط حصول تقوی: یکی دیگر از چیزهایی که از عوامل سلبی به حساب می‌آید و نسبت به مسأله‌ی زکات حالت درونی‌تری دارد، روزه است. خداوند می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ: ای افرادی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان‌گونه که بر کسانی که پیش از شما بودند مقرر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید (بقره: ۱۸۳).

تزکیه‌ی نفس سه مرحله دارد که به ترتیب عبارت‌اند از «۱- تخلیه ۲- تجلیه ۳- تجلیه» (امینیان، ۱۳۷۵: ۸۹). الف- تخلیه: «یعنی پاکسازی باطن و روان از رذایل اخلاق که از وظایف مشکل سالکان راه حق است. سالک باید باطنش را از کثافت و آلودگی صفاتی همچون حسد، کینه، تکبر، عداوت، سوءظن و امثال آن پاک کند. زیرا هریک از این صفات مانند موش‌های خائن در درون نفس سرقت و تخریب می‌کنند و محصولات اعمال و افعال انسان را نابود می‌سازند» (همان: ۹۰-۸۹).

سعدی در نمونه‌های زیر پاکی انسان از نفس اماره، تکبر و خودبینی، توجه به قناعت، نکوهش حرص و طمع را از مصادیق تخلیه می‌داند و چنین می‌سراید:

کسی سیرت آدمی گوش کرد
نفس خاموش کرد (سعدی، ۱۳۸۶: ۲۷۳۷)
که اول سگ

تکبر نکن چون به نعمت
دری که محرومی آید
ز مستکبری (همان: ۳۴۸۶)

قناعت توانگر کند مرد
را حریص جهانگرد را (سعدی، ۱۳۸۶: ۲۷۳۳)
خبر کن

از پاک کردن و پیراستن نفس از نقایص و صفات رذیله و آراستن آن به صفات پسندیده و کمالات نفسانیه. معادل خودسازی در اسلام تزکیه‌ی نفس است. خداوند تبارک و تعالی در قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ؛ اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد و (آنان) قطعاً پیش از این در گمراهی آشکار بودند» (جمعه: ۲). از ظاهر آیه‌ی شریفه چنین استنباط می‌شود که خداوند پیامبر گرامی اسلام (ص) را برای «تزکیه و پاکیزه‌نمودن نفوس از رذایل و تحلی آن‌ها به فضایل اخلاق» (امینیان، ۱۳۷۵: ۸۹) در میان مردم فرستاده است. استاد محمدتقی مصباح یزدی در مورد تزکیه می‌فرماید: «تزکیه دو جنبه دارد ۱- جنبه‌ی اثباتی (ایجابی) ۲- جنبه‌ی نفی‌ای (سلبی). تزکیه این است که مثلاً در مورد یک درخت، ابتدا شاخ و برگ‌های زاید آن را بزنند، سپس عوامل رشد و نموّش را فراهم آورند. انسان نیز اگر بخواهد به کمالات مطلوب خود برسد با توجه به ابعاد گوناگونی که دارد، از یک سو باید شاخ و برگ‌های فراوان و عوامل مزاحم را از خود دور کند و از سوی دیگر، آن عوامل اثباتی را که او را در جهت رسیدن به هدف کمک می‌کنند تقویت کند. از جنبه‌ی اثباتی در جهت رسیدن به هدف، باید حالت توجه دل- همان توجهی که در لسان شرع ذکر نامیده می‌شود- تقویت گردد. اما از جنبه‌ی سلبی، یعنی رفع عوامل مزاحم، باید گفت که برخی از عوامل مربوط به خود بدن است که به یک معنی، مزاحم‌های داخلی به حساب می‌آیند. یک سلسله از مزاحم‌ها نیز خارجی است.» (مصباح یزدی، ۱۳۷۵: ۵)

عوامل موثر در تزکیه: ۱- زکات (صدقه): قرآن می‌فرماید: حُدِّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةٌ تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلَّ عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ: از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به‌وسیله آن پاک

سفارش می‌کرد و می‌فرمود: «مرگ را بسیار یاد کنی که لذت‌ها را از میان می‌برد و میان شما و شهوت‌های شما فاصله می‌اندازد» (حرّ عاملی، ۱۳۶۷، جلد دوم: ۲۳). ۴- تنفر از گناهان: امام کاظم در جواب فردی که از او پرسیده بود که مردی از موالیان شما شیعه است اما شراب می‌خورد و گناهان مهلک مرتکب می‌شود فرمود: «از کارهای وی بیزاری بجوید، ولی از خود او بیزاری نجوید. او را دوست بدارید، ولی کار او را دشمن بدارید» (نوری، ۱۳۶۶، جلد دوازدهم: ۲۳۶). ۵- توجه داشتن به ماندگاری پیامدهای گناه: امام علی(ع) می‌فرماید: «به یاد داشته باشید که لذت‌ها از میان می‌روند، ولی عواقب آن‌ها باقی می‌ماند» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۲، حکمت ۴۳۳: ۵۲۵).

در پایان این بخش با بررسی‌های به‌عمل‌آمده به این نتیجه رسیدیم که فعالیت و خودسازی که معادل آن در اسلام تزکیه‌ی نفس است، یکی از ارکان و پایه‌های علم اخلاق به شمار می‌آید که انسان‌ها از طریق به کاربردن آن در زندگی خود می‌توانند به مراحل بالایی از اخلاق برسند و به‌عنوان فردی اخلاقی در جامعه شناخته و پذیرفته شوند.

۴٫۵ غایت اخلاقی

از دیدگاه فوکو رکن چهارم اخلاق غایت اخلاقی می‌باشد، یعنی غایت آن نوع موجودیت است که ما با رفتار اخلاقی، مشتاق رسیدن به آن هستیم. فوکو بر این عقیده بود که مناسبت‌هایی میان این چهار جنبه‌ی اخلاق وجود دارد، با این حال به گمان او نوعی از استقلال نیز در بین آن‌ها برقرار است. هنگامی که غایت تغییر پیدا می‌کند دیگر جنبه‌های اخلاق نیز دستخوش دگرگونی می‌شوند. اما در فرهنگ یونانی این امکان وجود داشت که حتی با تغییر تدریجی شیوه‌ی اطاعت، جوهر اخلاقی هم‌چنان ثابت بماند. جلد‌های دوم و سوم تاریخ جنسیت را می‌توان مطالعه‌ی روابط موجود میان این چهار وجهی اخلاق در جامعه‌ی یونانی و رومی و انواع وابستگی و استقلال آن‌ها دانست. بنابراین اخلاق فوکویی اخلاقی تجربی، درونی و نتیجه‌گراست که رسیدن به

انواع تخلیه: «۱- تدریجی: که در آن خودسازی به مرور انجام می‌پذیرد. ۲- دفعی: آن است که انسان در کوتاه‌مدت انجام می‌دهد» (امینیان، ۱۳۷۵: ۹۴).

ب- تخلیه: «تخلیه از ماده‌ی حلی و حلی به معنای زیور است، پس تخلیه یعنی به زیور آراستن. این کلمه در مورد علم اخلاق به معنای آراستن و آراسته‌شدن به مکارم اخلاق است. تخلیه در مقابل تخلیه قرار دارد. تخلیه در مقام دفع و تبرّی (یعنی با رذایل اخلاق دشمنی کردن) و تخلیه در مقام جذب و تولّی (یعنی با فضایل اخلاق دوستی کردن) قرار دارند. انسان اگر سه نوع صفات یعنی شیطنت، بهمیّت و سبعیّت را از خود خلع کند، مرحله‌ی تخلیه و چون اوصاف فرشتگان و انسانیت را به خود آراسته کند، مرحله‌ی تخلیه را پیموده است» (امینیان، ۱۳۷۵: ۱۰۱-۱۰۰).

ج- تجلیه: «یعنی خود را با اعمال دینی جلوه‌دادن، به تعبیر دیگر تجلیه یعنی خود را به صورت اعمال مذهبی متجلی کردن. هدف از تجلیه آن است که انسان اعمال مذهبی را به صورتی که شارع مقدس خواسته است به‌جا آورد. یعنی نماز، روزه و سایر عبادات را درست انجام دهد» (همان: ۱۰۱).

ملاک‌های خودسازی از دیدگاه امامان معصوم: ائمه‌ی اطهار(ع) مؤلفه‌های خودسازی را پنج چیز می‌دانند: «۱- یاد خدا و توجه به او ۲- اعتراف به گناهان و پشیمانی از آن‌ها ۳- یاد مرگ ۴- تنفر از گناهان ۵- توجه داشتن به ماندگاری پیامدهای گناه» (داودی، ۱۳۸۷: ۱۸۴-۱۸۲).

۱- یاد خدا و توجه به او: امیرالمومنین(ع) می‌فرماید: «از گناه و نافرمانی در خلوت بپرهیزید که شاهد و گواه گناه همان داور است» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۲، حکمت ۳۲۴: ۵۰۵). ۲- اعتراف به گناهان و پشیمانی از آن‌ها: امام محمدباقر(ع) می‌فرماید: «به خدا سوگند از گناه‌هایی نمی‌یابد، مگر کسی که به آن اعتراف کند» (کلینی، بی‌تا، جلد دوم: ۴۲۶). ۳- یاد مرگ: رسول خدا(ص) یاران خود را به یاد مرگ بسیار

است آن فعل یا صفت را خوب، درست و الزامی نماید؛ مثلاً گفته می‌شود وفای به عهد ذاتاً خوب است یا خداوند به آن فرمان داده است که هر یک از این ویژگی‌ها ممکن است وفا به عهد را الزامی نماید» (همان: ۵۶). زیرمجموعه‌های این نظریه عبارت‌اند از: الف: اراده یا قانون الهی: «نظریه‌ای که تنها معیار صواب و خطا را اراده یا قانون الهی می‌داند به نظریه‌ی امر الهی و یا حسن و قبح الهی شناخته می‌شود. ب: مطابقت با قانون عقل: نظریه‌ای که معیار ارزش اخلاقی را عقل عملی مطلق و کلی می‌داند. ایمانوئل کانت فیلسوف آلمانی از مدعیان این نظریه است» (همان: ۷۱-۶۷). اما غایت اخلاق در اسلام مفاهیم و مصادیق دیگری دارد. استاد محمدتقی مصباح یزدی می‌نویسد: یکی دیگر از نیازمندی‌های اخلاق در حوزه‌ی دین مربوط به تعیین هدف و غایت افعال و ارزش‌های اخلاقی است یعنی این‌که «اساس ارزش‌ها را غایات و اهداف افعال و رفتارها تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، ارزش رفتارهای اخلاقی به غایات و اهداف آن‌ها بستگی دارد. چون ما اهداف مقدسی داریم که برای ما مطلوبیت ذاتی دارند و باید کارهایی را انجام دهیم که ما را به آن اهداف مقدس برسانند، این جاست که ارزش‌های اخلاقی پدید می‌آیند. پس هدف غایت اخلاق از نظر دین اسلام رسیدن به قرب الهی است و این بالاترین هدفی است که برای سیر تکاملی انسان وضع می‌شود و ارزش رفتارهای اخلاقی، از آن‌جا ناشی می‌شود که یا مستقیماً موجب قرب الهی می‌شوند و یا زمینه‌ی تقرب به خدا را فراهم می‌آورند» (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۸۲). همچنین در جایی دیگر خداوند در قرآن در سوره‌ی حدید عدالت را علت غایی ارسال پیامبران و انزال کتب می‌داند و می‌فرماید: «قَدْ أَرْسَلْنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَ أَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَ الْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»: به‌راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آن‌ها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند (حدید: ۲۵). اندیشمندان مسلمان با بهره‌گیری از قرآن کمابیش هدف اخلاق را «سعادت و تأمین کمالات انسان و به فعلیت رساندن

سلامت فردی و زیبایی درونی، غایت و آرمان نهایی آن است (دیویدسون، ۱۳۸۰: ۷۴). در غرب نظریات گوناگونی درباره‌ی هدف اخلاق مطرح شده است که تعدادی از این اهداف به شرح ذیل می‌باشند: برخی هدف اخلاق را «تأمین رفاه مادی افراد می‌دانند» (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۰۳)، گروهی دیگر «تأمین لذات دنیوی» (فرانکنا، ۱۳۷۶: ۴۷)، برخی دیگر هدف اخلاق را «به حداکثر رساندن سود افراد تلقی کرده‌اند» (همان: ۸۶) و دسته‌ای هم مقصود اخلاق را «خود اخلاق (وظیفه‌گرایی) معرفی کرده‌اند» (همان: ۴۷-۴۶). در بحث از غایت اخلاق از نظر آن‌ها دو دیدگاه وجود دارد: «۱- دیدگاه‌های نتیجه‌گرا: مدعیان این دیدگاه‌ها به غایت رفتار نظر دارند و ارزش اخلاقی کار را براساس غایت و نتیجه‌ی خارجی آن تعیین می‌کنند. لذت، سود، قدرت، رفاه و کمال که هر یک ممکن است غایت و نتیجه‌ی اخلاقی کارها و معیار ارزش‌گذاری اخلاقی به حساب آیند. زیرمجموعه‌های این نظریه عبارت‌اند از الف: لذت شخصی: از نظر آریستیپوس (از فلاسفه‌ی یونان باستان) هر کاری که به لذت فرد بینجامد، خوب است و هر کار رنج‌آوری بد است. اپیکور نیز مانند وی هدف زندگی را لذت‌بردن می‌داند. این دیدگاه که لذت‌گرایی شخصی را ملاک و معیار ارزش اخلاقی قرار می‌دهد به نظریه‌ی لذت‌گرایی شخصی معروف است. ب- سود عمومی: نظریه‌ای که اصل سود را تنها معیار نهایی درباره‌ی درستی و نادرستی و ارزش و الزام اخلاقی می‌داند به عنوان سودگرایی اخلاقی شناخته می‌شود. آن‌ها اعتقاد دارند غایت اخلاقی‌ای که باید در تمام اعمال و رفتارمان به دنبال آن باشیم، بیشترین غلبه‌ی ممکن خیر بر شر یا کمترین غلبه‌ی ممکن شر بر خیر در کل جهان و برای همه‌ی انسان‌هاست. بنابراین توصیه‌ی سودگروی این است که خیر را برای همگان به حداکثر برسان» (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۸: ۶۳-۵۵). ۲- دیدگاه‌های وظیفه‌گرا: «مدعیان این دیدگاه‌ها معتقدند که برخی ویژگی‌های فعل یا صفت اختیاری انسان نظیر ماهیت ذاتی آن، انگیزه‌ی آن یا مطابقت آن با یک اصل و قاعده- جدا از نتیجه‌ای که در بر دارد- ممکن

الا تا نیچی سر از عدل و
رای که مردم ز دست
نیچند پای (سعدی، ۱۳۸۶: ۲۴۱)

به عدل و کرم سال‌ها ملک
راند برفت و نکونامی
از وی بماند (همان: ۴۳۰)

با بررسی‌های به‌عمل‌آمده درباره‌ی غایت اخلاق از دیدگاه فوکو و اسلام و سعدی به این نتیجه رسیدیم غایت اخلاق در نزد فوکو لذت‌بردن از امور مادی و دنیوی و نیز رسیدن به خواسته‌های خود در این دنیا بود. اما مهم‌ترین و بالاترین غایت اخلاق در اسلام همانا قرب الی الله است و بعد از آن هم مفاهیمی مثل عدالت، بهشت و ... مطرح می‌شوند که این مفاهیم به‌طور اتوماتیک در سایه‌ی رسیدن به قرب الی الله برای انسان حاصل می‌شوند، سعدی هم به تبعیت از قرآن همین مسائل را غایت اخلاق می‌داند، چون او فردی اسلامی بود و در یک محیط اسلامی زندگی می‌کرد.

به عقیده‌ی فوکو این چهار جنبه، ساختاری از اخلاقیات را شکل می‌دهند که ضمن استقلال هر جنبه، فعالیت‌های خاصی با یکدیگر برقرار می‌کنند، به‌طوری که با تغییر در یکی، سایر جنبه‌ها دستخوش تغییر می‌شوند. دیویدسون در این مورد می‌گوید: «فوکو براین عقیده بود که مناسبت‌هایی میان این چهار جنبه‌ی اخلاق وجود دارد با این حال به گمان او نوعی از استقلال نیز در بین آن‌ها برقرار است. هنگامی که غایت با ظهور و تحکیم مسیحیت تغییر پیدا می‌کند، هنگامی که هدف، خلوص و خلد می‌شود، دیگر جنبه‌های اخلاق نیز دستخوش دگرگونی می‌شوند اما در فرهنگ یونانی این امکان وجود داشت که حتی با تغییر تدریجی شیوه‌ی اطاعت جوهر اخلاقی هم‌چنان ثابت بماند. جلد‌های دوم و سوم تاریخ جنسیت را می‌توان مطالعه‌ی روابط موجود میان این چهار وجه اخلاق در جامعه یونانی و رومی و انواع وابستگی و استقلال آن‌ها دانست» (دیویدسون، ۱۳۸۰: ۷۵).

قابلیت‌های اساسی و واقعی آدمی- که همانا قرب الی الله است- می‌دانند» (مصباح یزدی، ۱۳۷۹: ۱۰۴-۹۶) و (مطهری، بی‌تا: ۲۰۸). از دیگر اهداف اخلاق اسلامی بهشت می‌باشد که در قرآن به این هدف زیاد پرداخته شده است. بهشت جایی است که خداوند برای نیکوکاران آماده ساخته است و همه‌ی نعمت‌ها در آن یافت می‌شود. راه‌های رسیدن به این هدف (بهشت عبارت‌اند از: «۱- ایمان و عمل صالح ۲- تقوا ۳- پیروی از خدا و رسول ۴- راستی و راستگویی ۵- احسان و نیکوکاری ۶- صبر و بردباری در راه خدا ۷- اهتمام به نماز ۸- انفاق در راه خدا ۹- جهاد در راه خدا ۱۰- شهادت در راه خدا» (سبحانی و محمدرضایی، ۱۳۸۷: ۲۲۴-۲۱۹). از دیگر اهداف اخلاق در اسلام همان «هدف ذاتی و نهایی وجود بایسته است یعنی همه چیز برای خدا، زندگی با تمام جزئیاتش برای خداست، اندیشه و عمل برای خداست و اخلاقی که پیامدش حب، رافت، علم، بی‌نیازی، صداقت و رسیدن به قدرت الهی است» (علمی و سبزیان، ۱۳۷۸: ۶۳). از اهداف دیگر و مهم اخلاق «رسیدن به کمالات معنوی و دست‌یابی به مقام والای کرامت انسانی است که در آفرینش برای انسان منظور گردیده است. سعادت انسان در دو جهان، به کمالات وی بستگی دارد. مساله‌ی فوز (نیل به هدف) و فلاح (رستگاری از وابستگی‌های دست و پا گیر) که در قرآن مطرح گردیده است، هدف از اخلاق و آراسته شدن به اخلاق کریمه را نشان می‌دهند. خداوند می‌فرماید: قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا: هرکس آن (نفس) را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد (شمس: ۹) و آیات دیگر که در آن‌ها منظور از فلاح و مشتقات آن، رستگاری و آراسته‌شدن به اخلاق کریمه بیان شده است» (معرفت، ۱۳۷۹: ۸-۹). سعدی نیز مانند قرآن برقراری عدالت را یکی از علل غایی اخلاق می‌داند. استاد غلامحسین یوسفی یادآور می‌شود که اساس عالم مطلوب سعدی عدالت است و دادگستری (یوسفی، ۱۳۵۰: ۲۸۹):

۴٫۶ تجزیه و تحلیل مبانی اخلاقی دو دیدگاه سعدی و فوکو

از نظرات و گفته‌های میشل فوکو به‌ویژه در باب اخلاق چنین استنباط می‌گردد که وی به‌طور کلی مخالف هرگونه نظام‌سازی و نظریه‌پردازی است و ارائه‌ی نظریه را به‌منزله‌ی صدور حکم می‌داند که این به معنی ایجاد سلطه و انحصار خواهد بود، در نتیجه عملاً مخالف تربیت اخلاقی به شکل آموزشی و برنامه‌ای است و معتقد است که این خود فرد است که در یک موقعیت کاملاً آزاد و غیرانحصاری و با توجه به علاقه و تمایلش اقدام به انجام فعل اخلاقی می‌نماید و در یک ارتباط درونی و عقلانی به تربیت نفس همت می‌گمارد. یکی دیگر از مؤلفه‌های مهم اخلاق اسلامی بحث «نیت و انگیزه» است. مکاتب اخلاقی دیگر و نیز فوکو، توجه خود را به فعل اخلاقی معطوف داشته و از نیت و انگیزه عمل غافل شده‌اند. تنها مکتب اخلاقی کانت به بحث نیت پرداخته است، البته «نیتی که کانت ملاک ارزش قرار می‌دهد نیت اطاعت حکم عقل و احترام به قانون است و این چیزی متفاوت با نظر اسلام خواهد بود» (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، جلد ۱: ۱۱۳). اما تربیت اخلاقی اسلام علاوه بر حسن فعلی بر حسن فاعلی نیز تکیه دارد. توضیح آنکه یک عمل می‌تواند به انگیزه‌های متفاوت انجام گیرد مانند: ارضای عواطف انسانی، تأمین نیازهای مادی خود یا دیگران، شهرت‌طلبی و ... سرانجام ممکن است انگیزه‌ی الهی کسی را وادار به انجام کاری کند و به خاطر خشنودی خداوند این کار را انجام دهد، در این صورت است که بنا بر دستور اسلام عملی ارزش می‌یابد. تربیت اخلاقی سعدی هم مانند اسلام است. چون او کسی است که در یک فرهنگ و محیط اسلامی رشد کرده است. به همین دلیل تقریباً همه‌ی سعدی‌شناسان، این شاعر بزرگ را معلم اخلاق و استاد ترویج مبانی تربیتی و اخلاقی و آموزشی می‌دانند و همچنین «سعدی را به‌واسطه‌ی نفوذ کلامش در اذهان و تأثیری که در زمینه‌های فکری و اخلاقی و رفتار مردمان داشته است، می‌توان

متنفذترین مربی و معلم اخلاق عملی در ایران و در میان همه‌ی فارسی‌زبانان به حساب آورد. راهنمایی‌های سعدی به قصد هدایت و تعلیم و تأثیر صورت گرفته و به این جهت دارای روش و هدف است» (معبودی، ۱۳۸۵: ۱۲۱). همچنین سعدی را باید آگاه‌ترین مربیان و معلمان اخلاق ایران خواند؛ زیرا او می‌کوشد تا مسائل اخلاقی، تربیتی و محتوای زیبای اخلاقی را با تکیه بر قدرت معنوی انسان‌ها مورد ارزیابی قرار دهد. از دیدگاه سعدی، هدف تربیت همان است که انسان به‌گونه‌ای تربیت شود که بتواند خود را در اعمال گوناگون با جامعه وفق داده، جنبه‌های معنوی وجود را تقویت نماید. سعدی اخلاق و تربیت را در تمام ابعاد زندگی، حتی در حرکات و سکنات، آداب و معاشرت و ... به روشی بسیار ماهرانه و استادانه پرداخته و همه‌ی شیوه‌های مؤثر تربیتی، تشویق، تنبیه، کنترل خود، تمایلات، تأثیر محیط و همنشینی با افراد صالح و صادق را مورد توجه قرار داده است. رکن اعظم مسائل اخلاقی در گلستان و بوستان: آداب سخن گفتن، خاموشی، مهمان‌نوازی، رازپوشی، صبر، حقیقت‌شناسی، انسانیت، درستی، تواضع و فروتنی، دوری از نادانان، ناپسند دانستن دروغ و سخن‌چینی است (جناب‌زاده، ۱۳۱۷: ۱۶).

دلالت‌های آرای دو دیدگاه فوکو و سعدی برای تربیت اخلاقی عبارت‌اند از:

۴٫۶٫۱ تربیت اخلاقی پست مدرنیستی و فوکو، تکثرگرایانه است اما تربیت اخلاقی اسلام و سعدی مبتنی بر مفروضات متافیزیکی است:

از نظر فوکو و پست مدرنیست‌ها «هیچ مبانی غایی و نهایی برای زندگی وجود ندارد، آگاهی و دانش، مشروط به علایق و سنت‌های در حال تغییر انسانی است و جوامع مختلف، ارزش‌ها و اخلاقیات را متناسب با نیازها و فرهنگ خاص خود بنا می‌کنند... . به هر حال از نظر آن‌ها مبانی، اصول و روش‌های اخلاقی ثابت و یکسان و مشابه، بی‌معنی است؛ ملاک تفاوت در ارزش‌ها و اخلاقیات، سنت‌ها، آداب

مرشد محمد غزالی را، رحمه الله علیه، پرسیدند: چگونه رسیدی بدین منزلت در علوم؟ گفت: بدانکه هرچه ندانستم از پرسیدن آن ننگ نداشتم

امید عافیت آنگه بود موافق
عقل که نبض را به طبیعت‌شناس بنمایی

بپرس که ذل
پرسیدن

دلیل راه تو باشد به عز دانایی (همان: ۵۸۱ - ۵۸۲)

۴،۶،۲ تربیت اخلاقی پست مدرنیستی و

فوکو، فاقد بنیان‌های ثابت و جهانی

(عام) است و بدین ترتیب اخلاق امری

فردی، محلی و خاص است، اما تربیت

اخلاقی اسلام و سعدی مسبوق به

بنیان‌های ثابت و مقدم است:

از نظر فوکو و پست مدرنیست‌ها «تصور وجود بنیان‌های ثابت و جهانی (عام) و قابل تعمیم برای اخلاقیات، معلول نوعی تصور واقعی از پیرامون واقعیت است، زیرا چیزی به نام واقعیت یا حقیقت ثابت، واحد و جهانی وجود ندارد که بتوان با استناد به وجود آن، اعمال خوب و بد و درست و نادرست و خیر و شر و زشت و زیبا، که خود مباحثی در قلمرو اخلاق هستند، را مورد ارزیابی و بررسی قرار داد... آن‌ها اساساً براین باور هستند که اخلاق امری خاص و محلی است و هیچ‌هنگام جهان شمول اخلاقی وجود ندارد و یا هیچ بنیانی که بتواند این نرم‌ها و باید و نبایدها را معلوم سازد. فوکو در این باره می‌گوید: حقایق در روابط قدرت شکل می‌گیرد. خارج از مدار قدرت حقیقی، جهانی وجود ندارد. بنابراین حقیقت و ارزش‌ها را باید در درون گفتمان‌ها پیدا کرد، چیزی به نام اخلاق جهان شمول وجود ندارد» (سجادی، ۱۳۷۹: ۶۵-۶۳). از نظر فوکو حقیقت بیرونی، ثابت و جهانی وجود ندارد که بتوان با آن معیاری برای قلمرو اخلاق تعیین کرد. او می‌گوید: «حقیقت به این جهان وابسته است و به

و رسوم محلی، فرهنگ‌ها و علایق و نیازهای خود جوامع محلی است. بنابراین، تربیت اخلاقی نیز ماهیتاً از تنوع در اهداف و روش‌ها و نسبی بودن آن در موقعیت‌های مختلف برخوردار خواهد بود» (سجادی، ۱۳۷۹: ۶۸-۶۷). اما جهت‌گیری‌های تربیت اخلاقی اسلام و سعدی بیش از هر چیز مبتنی بر «تصور و نگرشی است که اسلام و فلاسفه‌ی اسلامی از جهان و انسان (به عنوان دو عنصر بحث متافیزیکی) ارائه می‌نمایند. نوع نگاه ما به انسان به‌عنوان تنها موجود صاحب عقل و اندیشه و تنها موجودی که به‌طور عام موضوع تربیت و به‌طور خاص تربیت اخلاقی قرار می‌گیرد، بر تصمیم‌گیری‌های مربوط به برنامه‌ی اخلاقی تأثیر می‌گذارد... در قرآن آیات فراوانی وجود دارد که انسان را دعوت به اطاعت از فرامین الهی و پیروی از عقل می‌نماید که خود دلالت بر وجود مبانی متافیزیکی برای هدایت و تربیت اخلاقی است. خداوند در قرآن می‌فرماید: ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ مَن عِبَادِهِ... این است راهنمایی خدا که به آن هریک از بندگانش را می‌خواهد هدایت می‌کند... (انعام: ۸۸). و نیز در همین سوره می‌فرماید: أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ أَقْتَدِهِ... اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است؛ پس به هدایت آنان اقتدا کن (انعام: ۹۰). در این آیات بحث، بحثی متافیزیکی است.» (سجادی، ۱۳۷۹: ۷۹-۸۰). در گلستان سعدی ابیات و حکایات زیادی وجود دارد که انسان را دعوت به اطاعت از فرامین الهی و پیروی از عقل می‌نماید، که خود دلالت بر وجود مبانی متافیزیکی برای هدایت و تربیت اخلاقی است که در زیر دو نمونه که در آن‌ها به پیروی از عقل سفارش کرده را ذکر کردیم:

تا ندانی که سخن عین صوابست،
مگویی و آنچه دانی که نه نیکوش
جوابست، مگویی (سعدی، ۱۳۷۸: ۴۶۱)

و یا:

خلاف راه صواب است و عکس رای اولوالالباب،
دارو بگمان خوردن و راه نادیده بی‌کاروان رفتن. امام

پست مدرنیسم، هیچ مبناى تئوریک و پیشینی وجود ندارد» (سجادی، ۱۳۷۹: ۸۲-۸۰)

۴،۶،۳ تربیت اخلاقی مورد نظر فوکو مخالف عقل‌گرایی و انسان‌گرایی است اما تربیت اخلاقی اسلام و سعدی عقلانی و شهودی است:

«فوکو سوژه‌ی آگاه (انسان) و عقل او را آن‌گونه که مدرنیته مدعی است انکار می‌کند و آن را اختراع گفتمان مدرن می‌داند. به نظر او این شرایط گفتمانی است که به عقل‌گرایی معنا می‌بخشد و انسان سوژه‌ی سخن نیست، بلکه در یک بستر گفتمانی معنا می‌یابد. او وجود انسان را فناپذیر اعلام کرد و مدعی شد که انسان چیزی جز محصول گفتمان عصر خویش نیست. تربیت اخلاقی مورد نظر فوکو عقل‌ستیز و ضد انسان‌گرایی مدرن است و مبتنی بر شرایط گفتمانی است» (سجادی و علی‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۵۳). برخلاف پست مدرنیست‌ها و فوکو که بر انکار عقل و قوه‌ی شناسایی در آدمی و تأکید بر جنبه‌های عاطفی و زیبایی‌شناختی تربیت اخلاقی و خروج فاعل شناسایی (انسان دارای عقل) از عرصه‌ی بحث و اندیشه و عمل تأکید می‌کنند، سعدی و اسلام به عقل و تعقل بسیار اهمیت داده و «تربیت اخلاقی را به نوعی تربیت عقلانی و قوه‌ی استدلال می‌داند. تأکیدات فراوان قرآن و سعدی به عقل و تفکر و تدبیر مثل: افلا یعقلون، افلا یتدبرون، اکثرهم لایعقلون، لایفقهون و ... دلیل بر اهمیت عقل در اعمال و رفتار روزمره‌ی ماست، اما در عین حال به شهود و درون و تحولات درونی نیز توجه شده است؛ یعنی در امر تربیت اخلاقی باید به تحول درونی نیز توجه داشت. قرآن هرگاه از هدایت بشر صحبت می‌کند، این هدایت بیشتر هدایت درونی و قلبی و شهودی (الهامی) است. مثلاً در جایی می‌فرماید: وَ یَزِيدُ اللّٰهُ الَّذِیْنَ اهْتَدَوْا هُدًی ... و خداوند کسانی را که هدایت یافته‌اند بر هدایتشان می‌افزاید ... (مریم: ۷۶)» (سجادی، ۱۳۷۹: ۸۳-۸۲). سعدی بهره‌گیری از عقل را در تربیت اخلاقی چنین مطرح می‌کند:

شکل سلطه و اجبار تولید می‌شود. هر جامعه رژیم خاص خود را از حقیقت دارد، حقیقت مانند ثروت تولید می‌شود، در نتیجه فوکو مخالف هرگونه کلیت و جهان‌شمولی است» (سجادی و علی‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۵۳). اما تربیت اخلاقی اسلام و سعدی بر بنیان‌هایی استوار است که «از نوعی دوام و ثبات و استمرار و تقدم برخوردارند. دین و آنچه از طریق دین (اعم از واجبات و فروعات) به انسان می‌رسد، یکی از این مبانی و بنیان‌هاست. از اساسی‌ترین وجوه تمایز تربیت اخلاقی اسلامی نسبت به دیگر نظام‌های تربیتی و اخلاقی، وجود همین مبانی ثابت و مقدم است... امام صادق (ع) در بیان ثابت بودن احکام شرعی و الهی در تمام زمان‌ها می‌فرماید: حلال محمدٌ (ص) حلال اَبَدًا اِلَى یَوْمِ الْقِیَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ اِلَى یَوْمِ الْقِیَامَةِ، لَایَكُونُ غَیْرَهُ وَ لَا یُجِیءُ: حلال محمد (ص) حلال است تا روز قیامت و حرام او حرام است تا روز قیامت، که غیر از آن نیست و غیر از آن نمی‌آید (کلینی، بی‌تا: ۵۸). سعدی هم با تأثیرپذیری از اسلام و قرآن، به وجود این بنیان‌های ثابت اعتقاد دارد، تعدادی از این بنیان‌های ثابت در آثار سعدی از این قرارند:

راستی موجب رضای خدا
است کس ندیدم که
گم شد از ره راست (سعدی، ۱۳۷۸: ۹۲)

و یا:

مودت اهل صفا چه در روی و چه در قفا، نه
چنان کز پست عیب گیرند و پیشت بیش میرند.

هرکه عیب دگران پیش تو آورد و
شمرد بی‌گمان عیب تو پیش
دگران خواهد برد (همان: ۱۴۷)

سعدی در این دو مورد به بنیان‌های ثابتی مانند راستی و صداقت و رد کردن غیبت می‌پردازد. در نتیجه باید متذکر شویم که تأکید بر مقدم بودن بنیان‌های تربیت اخلاقی (دین و شرع)، به معنی وجود تئوری‌ها و نظریه‌های پذیرفته شده و پیشینی برای تربیت اخلاقی در اسلام است؛ درحالی‌که در

تربیت اخلاقی اسلام و سعدی «منابع مقتدر (قرآن و سنت) و الگوهای دینی و مذهبی جایگاه خاصی را دارا هستند. نگاه اصلی ما در اجرای برنامه‌های تربیت اخلاقی، نگاه به قرآن و آنچه به ما حکم می‌کند است. خداوند در قرآن می‌فرماید: وَ مَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ... و تا خدا نخواهد، شما نخواهید خواست ... (انسان: ۳۰). این آیه به معنی حضور خداوند در اعمال و تصمیمات ماست و پذیرش این حضور نیز حتمی و غیرقابل انکار است. در جای دیگر نیز می‌فرماید: ... يَا مَعْرُوفُ وَ يَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ ... : آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد ... (اعراف: ۱۵۷). امر و نهی کردن، خود دلیل حضور منبعی قدرتمند در عرصه‌ی رفتار و اعمال ماست و نیز اشاره‌ی قرآن به اطاعت انسان‌ها از خداوند و رسول او و کسانی که جانشین رسول و ولی امر مردم هستند: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ... : ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیا امر خود را نیز اطاعت کنید ... (نساء: ۵۹)، نیز مؤید اصل الگوگرایی در تربیت اخلاقی اسلامی است» (سجادی، ۱۳۷۹: ۸۵-۸۴). سعدی درباره‌ی الگوگیری از قرآن در گلستان حکایات فراوانی دارد که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به این موارد اشاره کرد:

یکی بر سر راهی مست خفته بود و زمام اختیار از دست رفته، عابدی بر وی گذر کرد و در آن حالت مستقبح او نظر کرد. جوان از خواب مستی سر بر آورد و گفت: إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» (سعدی، ۱۳۷۸: ۲۲۰). «تلمیح دارد به جزئی از آیه: «الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَ إِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا» و کسانی‌اند که گواهی دروغ نمی‌دهند و چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می‌گذرند» (فرقان: ۷۲).

و نیز در جای دیگر می‌گوید: یکی از حکما پسر را نهی می‌کرد از بسیار خوردن که سیری مردم را رنجور کند. گفت: ای پدر گرسنگی خلق را بکشد. نشنیده‌ای که ظریفان گفته‌اند: به سیری مردن به که گرسنگی بردن. گفت: اندازه نگه دار، کُلُوا وَ

امید عافیت آنکه بود موافق
عقل که نبض را به طبیعت‌شناس بنمایی

بپرس که دل پرسیدن
دلیل راه تو باشد به عز دانایی (سعدی، ۱۳۷۸: ۵۸۱)
و نیز:

دیده‌ی اهل طمع به نعمت
دنيا پر نشود هم چنانکه
چاه به شب‌نم (همان: ۴۹۳)

در این دو مورد که به‌عنوان نمونه از گلستان ذکر کردیم، سعدی به‌طور آشکار به وجود عقل در پیش برد زندگی و رسیدن به اهداف خود در زندگی سفارش می‌کند.

۴،۶،۴ تربیت اخلاقی مورد نظر فوکو

دموکراتیک و غیراقتدارگرایانه است اما

تربیت اخلاقی اسلام و سعدی اقتدارگرا

و الگومحور است:

«از نظر فوکو یک عمل در صورتی می‌تواند یک فرمان اخلاقی باشد که از بیرون بر انسان تحمیل نشود و از درون خود انسان بجوشد؛ یعنی عملی اخلاقی است که در شرایط غیر تحمیلی و آزادانه انجام شود» (سجادی و علی‌آبادی، ۱۳۸۷: ۱۵۶). از نظر پست مدرنیست‌ها و فوکو «تربیت اخلاقی، اساساً مبتنی بر شیوه‌ی دموکراتیک و غیر اقتدارگرایانه است؛ به گونه‌ای که علایق اعضا و اجزای متعدد نیز تا آنجا که ممکن است مورد توجه قرار گیرد. ارزش‌های اخلاقی نباید به‌وسیله‌ی یک گروه (والدین، معلمان و یا راهنمایان) جهت داده شود و به راحتی به دیگر گروه‌ها، از جمله دانش‌آموزان منتقل شود. هر فرد باید خود رفتار اخلاقی خود را خلق و هدایت نماید؛ الگوگرایی در اخلاق مذموم است، چراکه پدران و یا مادران و یا آن‌هایی که حق الگوبودن را برای خود قایل هستند، سعی دارند علایق خود را فراتر از علایق کسانی بدانند که از آن‌ها مراقبت می‌نمایند» (سجادی، ۱۳۷۹: ۶۸). اما در

نمی‌دهید؟ (صف: ۲)، نیز گواه روشنی بر این مدعاست. فرآیند تربیت اخلاقی در اسلام، فقط محدود به به کارگیری الفاظ و عبارات و قاعده‌های دستور زبانی و یا به‌طور کلی محدود به قواعد زبان‌شناختی و محاوره‌ای که مورد نظر فوکو و پست مدرنیست‌ها (نظریه‌گفتمان) بوده است، نیست؛ بلکه عرصه‌ی عمل نیز وجود دارد و چه‌بسا فهم دقیق دستورات اخلاقی، در ابتدا نیازمند عمل آدمی است... بنابراین حقیقت اعمال و رفتار اخلاقی ما، نه فقط به وسیله‌ی گفتار و گفتمان، بلکه به‌وسیله‌ی عمل کردن آشکار می‌شود؛ اگرچه گفتمان و به کارگیری قواعد زبان‌شناختی، زمینه‌ی عمل را بهتر فراهم می‌نماید اما تربیت اخلاقی به سطح گفتار محدود نمی‌شود» (سجادی، ۱۳۷۹: ۸۶-۸۵). سعدی در این مورد یادآور می‌شود که انسان علاوه بر گفتار باید عمل‌گرا هم باشد، یعنی گفتار و عمل باید کامل‌کننده‌ی همدیگر باشند، در همین راستا او در گلستان می‌گوید: علم بدون عمل فایده ندارد:

علم چندان که بیشتر خوانی تو نیست نادانی

- هرکه علم خواند و عمل نکرد بدان ماند که گاو راند و تخم نیفشاند. (سعدی، ۱۳۷۸: ۴۵۶)

- یکی را گفتند: عالم بی‌عمل به چه ماند؟ گفت به زنبور بی‌عسل.

زنبور درشت بی‌مروت را گوی باری چو عسل نمی‌دهی نیش مزین (همان: ۵۷۷)

مخالف عقل‌گرایی و قاعده‌گزاربودن عقل است، به زعم او تکیه‌ی زیاد بر عقل، اقتدار در پی دارد، اما اسلام و سعدی بر خلاف فوکو (به عنوان یک فیلسوف پست مدرن) که بر انکار عقل و قوه‌ی شناسایی در آدمی و نیز بر جنبه‌های عاطفی و زیبایی‌شناختی تربیت اخلاقی و خروج فاعل شناسایی (انسان دارای عقل) از عرصه‌ی بحث و اندیشه و عمل تأکید می‌کند، اسلام و سعدی به عقل

اَشْرِبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا» (سعدی، ۱۳۷۸: ۲۴۹). «تلمیح دارد به جزئی از آیه‌ی: يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ: ای فرزندان آدم، جامه خود را در هر نمازی بپوشید، و بخورید و بیاشامید ولی زیاده‌روی نکنید که او اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارد» (اعراف: ۳۱). این دو مورد نشان دهنده‌ی این است که سعدی به الگو قراردادن سفارشات قرآن در زندگی پایبند بوده و انسان‌ها را هم به آن سفارشات دعوت کرده است.

۴،۶،۵ تربیت اخلاقی پست مدرنیستی و فوکو، اساساً مبتنی بر گفتمان است نه اعمال ثابت و نظام‌دار اما تربیت اخلاقی اسلام و سعدی مبتنی بر عمل و عینیت است نه گفتمان محض:

از نظر فوکو و پست مدرنیست‌ها «اگر گفتمان مبنای عمل اخلاقی به حساب آید، تربیت اخلاقی در سطح عمومی فراگیر می‌شود؛ چرا که همه‌ی انسان‌ها می‌توانند گفتمان کنند. پس هر انسانی قابلیت تربیت اخلاقی را داراست. از طرف دیگر، تأکید بر گفتمان در تربیت اخلاقی، یعنی تأکید بر غیرنظام‌داری بودن تربیت اخلاقی و ثابت نبودن و پیشینی‌نبودن اصول و اعمال تربیت اخلاقی» (سجادی، ۱۳۷۹: ۶۷). اما در تربیت اخلاقی اسلامی «تأکید بر جنبه‌های نظری (گفتاری) و عملی (کرداری) در عرصه‌ی تربیت اخلاقی است و حتی وزن عمل بیشتر از گفتار و سخن است. آیه‌ی شریفه‌ی: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ: ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام

۵ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

میشل فوکو متفکر، تاریخ‌دان و فیلسوف تبارشناس معاصر فرانسوی نظریه‌ای با عنوان نظریه‌ی اخلاقی دارد که نویسندگان این مقاله آن نظریه را با تکیه بر فلسفه‌ی اخلاق در اسلام و بوستان و گلستان سعدی تبیین کرده و به نتایجی رسیده‌اند از جمله: الف- فوکو به‌عنوان یک فیلسوف پست مدرن

مبانی و بنیان‌هاست. تأکید بر مقدم‌بودن بنیان‌های تربیت اخلاقی (دین و شرع)، به معنی وجود تئوری‌ها و نظریه‌های پذیرفته شده و پیشینی برای تربیت اخلاقی در اسلام است؛ درحالی‌که در پست مدرنیسم، هیچ مبنای تئوریک و پیشینی وجود ندارد. از نظر فوکو و پست مدرنیست‌ها تصور وجود بنیادهای ثابت و جهانی (عام) و قابل تعمیم برای اخلاقیات، معلول نوعی تصور واقعی از پیرامون واقعیت است؛ زیرا چیزی به نام واقعیت یا حقیقت ثابت، واحد و جهانی وجود ندارد که بتوان با استناد به وجود آن، اعمال خوب و بد، درست و نادرست، خیر و شر و زشت و زیبا که خود مباحثی در قلمرو اخلاق هستند را مورد ارزیابی و بررسی قرار داد. ث- در تربیت اخلاقی اسلام و سعدی، منابع مقتدر (قرآن و سنت) و الگوهای دینی و مذهبی جایگاه خاصی را دارا هستند. نگاه اصلی ما در اجرای برنامه‌های تربیت اخلاقی، نگاه به قرآن و آن چه به ما حکم می‌کند است، اما از نظر پست مدرنیست‌ها و فوکو تربیت اخلاقی، اساساً مبتنی بر شیوه‌ای دموکراتیک و غیر اقتدارگرایانه است. الگوگرایی در اخلاق مذموم است، چراکه پدران و یا مادران و یا آن‌هایی که حق الگو بودن را برای خود قائل هستند، سعی دارند علایق خود را فراتر از علایق کسانی بدانند که از آن‌ها مراقبت می‌نمایند.

و تعقل بسیار اهمیت داده و تربیت اخلاقی را به نوعی تربیت عقلانی و قوه‌ی استدلال می‌داند. ب- در تربیت اخلاقی اسلامی و سعدی، تأکید بر جنبه‌های نظری (گفتاری) و عملی (کرداری) در عرصه‌ی تربیت اخلاقی است و حتی وزن عمل بیشتر از گفتار و سخن است. فرآیند تربیت اخلاقی در اسلام و سعدی فقط محدود به به‌کارگیری الفاظ و عبارات و قاعده‌های دستور زبانی و یا به‌طور کلی محدود به قواعد زبان‌شناختی و محاوره‌ای که مورد نظر فوکو و پست مدرنیست‌ها (نظریه‌گفتمان) بوده است، نیست؛ بلکه عرصه‌ی عمل نیز وجود دارد و چه‌بسا فهم دقیق دستورات اخلاقی، در ابتدا نیازمند عمل آدمی است اما از نظر فوکو و پست مدرنیست‌ها اگر گفتمان مبنای عمل اخلاقی به حساب آید، تربیت اخلاقی در سطح عمومی فراگیر می‌شود؛ چرا که همه‌ی انسان‌ها می‌توانند گفتمان کنند. پ- یکی از مؤلفه‌های مهم اخلاق اسلامی بحث «نیت و انگیزه» است، اما مکاتب اخلاقی دیگر و نیز فوکو توجه خود را به فعل اخلاقی معطوف داشته و از نیت و انگیزه‌ی عمل غافل شده‌اند. ت- تربیت اخلاقی در اسلام و سعدی بر بنیان‌هایی استوار است که از نوعی دوام و ثبات و استمرار و تقدم برخوردارند. دین و آنچه از طریق دین (اعم از واجبات و فروعات) به انسان می‌رسد، یکی از این

منابع

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۸۱)، **چهار سخنگوی وجدان ایرانی**، تهران: نشر قطره.

امینیان، محمدعلی (۱۳۸۹)، **مبانی اخلاق اسلامی (پیش‌گفتاری بر اخلاق اسلامی)**، جلد اول، گیلان: انتشارات دانشگاه گیلان.

جناب‌زاده، محمد (۱۳۱۷)، **تعلیم و تربیت در نظر سعدی**، تهران: انتشارات سیروس.

جمعی از نویسندگان (۱۳۸۸)، **فلسفه‌ی اخلاق**، چاپ هشتم، قم: نشر معارف.

حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۳۶۷)، **وسائل الشیعه**، ۲۹ جلدی، قم: موسسه آل‌البیت.

حسینی، سیداکبر (۱۳۸۳)، **واقع‌گرایی اخلاقی در نیمه‌ی دوم قرن بیستم**، قم: مؤسسه‌ی آموزشی پژوهشی امام خمینی.

سبحانی، جعفر و محمدرضایی، محمد (۱۳۸۷)،
اندیشه‌ی اسلامی (۱)، چاپ سی و ششم،
 قم: نشر معارف.

ضمیران، محمد (۱۳۸۴)، **میشل فوکو: دانش و قدرت**،
 چاپ سوم، تهران، هرمس.

علمی، قربان و شمس‌سبزیان (۱۳۷۸)، «مبانی اخلاق
 در اسلام و مسیحیت»، **نشریه‌ی نامه
 الهیات**، سال دوم، شماره‌ی پنجم: ۶۱-۷۲.

علی بن ابی طالب (۱۳۸۲)، **نهج‌البلاغه**، ترجمه‌ی
 محمد دشتی، چاپ پنجم، قم: انتشارات آل
 علی (ع).

فرانکنا، ویلیام (۱۳۷۶)، **فلسفه‌ی اخلاق**، ترجمه‌ی
 هادی صادقی، قم: انتشارات طه.

قاسمی، یارمحمد (۱۳۸۶)، **آسیب‌شناسی مدرنیته**،
 ایلام: انتشارات گویش.

کلینی، محمد بن یعقوب (بی‌تا)، **اصول کافی**، جلد
 ۲، ترجمه‌ی سید هاشم رسولی محلاتی،
 تهران: انتشارات علمیه.

معرفت، محمدهادی (۱۳۷۹)، «مبانی اخلاق در
 قرآن»، **پژوهش‌های اجتماعی اسلامی**،
 شماره‌ی ۲۲: ۳۴-۴.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵)، «اخلاق در قرآن»،
نشریه‌ی معرفت، شماره‌ی نوزدهم: ۴-۷.

----- (۱۳۷۹)، **اخلاق در قرآن**، جلد ۱، تحقیق
 و نگارش محمد حسین اسکندری، قم:
 مؤسسه‌ی آموزشی امام خمینی.

----- (۱۳۸۲)، **فلسفه اخلاق**، تحقیق و
 نگارش احمد حسین شریفی، چاپ دوم،
 تهران: امیرکبیر.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، **فلسفه‌ی اخلاق**، چاپ
 بیست و پنجم، تهران: انتشارات صدرا.

----- (بی‌تا)، **نقدی بر مارکسیسم**، تهران:
 انتشارات صدرا.

حقیقی، شاهرخ (۱۳۸۳)، **گذر از مدرنیته؟ نیچه،
 فوکو، لیوتار، دریدا**، چاپ سوم، تهران: نشر
 آگاه.

دیویدسون، آرنولد (۱۳۸۰)، **دیرینه‌شناسی،
 تبارشناسی، اخلاق**، ترجمه‌ی پیام یزدانجو
 در کتاب فوکو در بوته‌ی نقد، تهران: نشر
 مرکز.

داودی، محمد (۱۳۸۷)، **اخلاق اسلامی (مبانی و
 مفاهیم)**، چاپ هفتم، قم: نشر معارف.

داوری، پریسا (۱۳۸۸)، «برخی از اندیشه‌های
 واقع‌گرایانه‌ی سعدی در بوستان و
 گلستان»، **پژوهش‌نامه‌ی زبان و ادبیات
 فارسی**، سال اول، شماره‌ی سوم: ۵۹-۹۰.

دریغوس، هیوبرت و پل رابینو (۱۳۸۹)، **میشل فوکو
 فراسوی ساختگرایی و هرمنوتیک**، ترجمه‌ی
 حسین بشیریه، چاپ ششم، تهران: نشر
 نی.

سعدی شیرازی (۱۳۷۸)، **گلستان**. خلیل، خطیب
 رهبر (کوشش)، چاپ بیست و یکم، تهران:
 صفیعلیشاه.

----- (۱۳۸۶)، **بوستان**، نگارش محمد علی ناصح،
 به کوشش خلیل خطیب رهبر، چاپ نهم،
 تهران: صفیعلیشاه.

سجادی، سیدمهدی (۱۳۷۹)، «تربیت اخلاقی از
 منظر پست مدرنیسم و اسلام (بررسی و
 نقد تطبیقی مبانی و اصول)»، **فصل‌نامه‌ی
 پژوهش‌های تربیت اسلامی**، شماره‌ی دوم:
 ۹۰-۴۷.

سجادی، سیدمهدی و ابوالفضل علی‌آبادی (۱۳۸۷)،
 «تبیین نظریه‌ی اخلاق در فلسفه‌ی مدرن
 (کانت) و پست مدرن (فوکو) و نقد تطبیقی
 دلالت‌های آن برای تربیت اخلاقی،
 فصل‌نامه‌ی تعلیم و تربیت، شماره‌ی ۹۳:
 ۱۶۴-۱۳۷.

یوسفی، غلامحسین (۱۳۵۰)، «جهان مطلوب سعدی در بوستان»، **مجله‌ی دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی مشهد**، سال هفتم، شماره‌ی دوم: ۲۸۴-۳۰۹.

معبودی، زهرا (۱۳۸۵)، **جامعه‌شناسی در آثار سعدی**، تهران: انتشارات تیرگان.

نوری، میرزاحسن (۱۳۶۶)، **مستدرک الوسائل**، ۱۸ جلدی، قم: موسسه آل‌البیت.

هکینگ، یان (۱۳۸۰)، **اصلاح نفس**، ترجمه‌ی پیام یزدانجو در کتاب فوکو در بوته‌ی نقد، تهران: نشر مرکز.